فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

رفق و مدارا در قرآن کریم 2

آیه اول 2

1. حصر حقیقی 2

2. مفهوم «عالمین» 3

3. اسلام رحمانی 5

آیه دوم 5

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)**

**اشاره به مباحث قبل:**

در بحث رفق و مدارا در مقام تعلیم و تربیت، هدایت، امر و نهی، تزکیه و تهذیب و... ابتدا به مجموعه‌ای از روایات را تمسک کردیم. اسناد و حدود دلالت آن‌ها را بررسی کردیم. دیروز رسیدیم به سیره عقلا و حکم عقل که مورد اشاره قرار گرفت.

رفق و مدارا در قرآن کریم

محور دیگر بحث از ادله، آیات قرآن کریم است. البته در مقام تنظیم باید به ترتیب آیات، روایات، دلیل عقلی، سیره و ... قرار گیرد. رفق و مدارا به مواردی از آیات شریفه استشهاد شده است. آیات غالباً مربوط به پیامبر بزرگوار یا پیامبران دیگر است.

آیه اول

در سوره انبیاء، آیه 107 وارد شده است: «**وَ ما أَرْسَلْناكَ إِلاَّ رَحْمَةً لِلْعالَمينَ**».[[1]](#footnote-1) ما شما را مبعوث نکردیم مگر به‌عنوان رحمتی برای جهانیان. ممکن است کسی به این آیه تمسک کند با این بیان که:

آیه افاده می‌کند که ارسال پیامبر فقط رحمت و مهربانی و عنایت به بشریت است. این مهربانی هم در محتوا و هم در شیوه‌ها وجود دارد. نکات موجود در آیه شریفه این است:

1. حصر حقیقی

در این آیه حصر وجود دارد. حصر به این شکل است که مقید و مستثنی‌منه وجود دارد. «**وَ ما أَرْسَلْناكَ»** یعنی برای هیچ‌چیز؛ علت غایی ارسال است. مستثنی‌منه غایت ارسال است. هدف، رحمت برای عالمین بودن است. پس رحمت علت غایی است.

البته ممکن است گفته شود هدفش غایت نیست ولی به نظر می‌رسد، روح مطلب آن است که رحمت غایت ارسال است. آیه ناظر به غایت رسالت دارد. هدف نهضت و رسالت شما این است که شما رحمت و مظهر مهربانی باشی! این نکته خارج از بحث ادبی است. هدف رسالت و ارسال «رحمة للعالمین» است؛ پس حصر عبارت است از اینکه هدف رسالت، رحمت بودن است. این حصر، حصر اضافی نیست؛ زیرا دیگر چیزهایی که گفته شده در شعاع این رحمت قرار دارد. حصر می‌کند به اینکه فلسفه وجودی پیامبر و یکی از ویژگی‌های او در «رحمة للعالمین» است. این حصر حصر حقیقی است. لازم نیست از این حصر دست بکشیم. تمام فلسفه، همان «رحمة للعالمین» بودن است. البته این رحمت می‌تواند جلوه‌های مختلف داشته باشد.

2. مفهوم «عالمین»

مطلب دیگر در آیه، واژه عالمین است؛ به معنای جهانیان. برای همه‌ آنانی که در عوالم هستند من الاولین و الآخرین رحمت است. سؤال این است که جمع عالمین آیا استغراقی است یا مجموعی؟

ظهور اولیه عمومات استغراقی است، زیرا منحل می‌شود به بی‌نهایت مصادیق؛ یعنی رسالت رحمت است برای هرکسی.

البته تقابل این آیه با آیه «**وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظَّالِمينَ إِلاَّ خَساراً**»[[2]](#footnote-2) وجود دارد. قرآن برای ظالم خسارت است پس رحمت نیست برای برخی مانند کفار و ابوجهل‌ها. لذا برخی گفته‌اند مراد «مجموعی» است، یعنی مجموع من‌حیث‌المجموع هدایت می‌شوند و قرآن و پیامبر برای مجموع رحمت است.

«رحمة للعالمین» به‌عنوان فلسفه رسالت، دو نوع معنی شده است:

الف) معنی اول این است که زمینه‌ رحمت است؛ در این صورت عام استغراقی هم اشکال ندارد و درست است. از ناحیه فاعل فقط برای رحمت است اما اینکه برخی از افراد از این رحمت بهره ‌نبرند و یا مشمول آن نشوند، با عام بودن رحمت منافات ندارد.

ب) اما اگر مراد از رحمت، رحمت فعلی باشد، این با استغراق سازگار نیست بلکه باید عام مجموعی در نظر گرفته شود.

پس اگر رحمت شأنیه بگیریم، با استغراق سازگار است و اگر رحمت را فعلیه بگیریم، با استغراق ناسازگار است. پس یکی از دو تصرف باید انجام شود:

1ـ مراد از رحمت، رحمت شأنیه باشد، آیه به رحمت فعلی نظر ندارد.

2ـ مراد از عالمین، عام مجموعی است، اگر رحمت فعلی باشد.

اگر کسی خود را با سوء اختیار از رحمت محروم کند و گرفتار عذاب شود لطمه‌ای به «رحمة للعالمین» وارد نمی‌شود.

نتیجه اینکه در آیه فلسفه و غایت رسالت، بیان شده است. حصر هم حقیقی است و بقیه فلسفه‌ها به همین برمی‌گردد. مراد از رحمت، رحمت شأنی و فاعلی است نه رحمت فعلی.

مطلب سوم آن است که این رحمت مذکور در آیه اعم است از انذار و تبشیر و اقدامات به ظاهر مهربانانه به این معنی که در باطن نتیجه همان است.

3. اسلام رحمانی

گاهی گفته شده «اسلام رحمانی» باید عرض کنم که رحمت دو معنی دارد:

رحمت یعنی چیزی که مطابق میل بشر و تقاضاهای ظاهری بشر است. مراد از رحمت، رحمت واقعی است که موجب سعادت واقعی می‌شود با اینکه تند است ولی در سطح کلان.

تعبیر «**طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطِبِّه**‏»[[3]](#footnote-3) و «احکم مراحمه» هم داریم؛ لطف و مهربانی پیامبر وجود دارد. برای درمان گاهی دارو می‌دهد و گاهی داغ می‌گذاشتند، انذار از همین قبیل است. ممکن است برخی افراد انذار را رحمت ندانند ولی با نگاه به فلسفه آن می‌توان متوجه شد که هر دو یکی است. پیامبر (ص) هم جهاد داشته است و درعین‌حال رحمت بوده و این دو منافات ندارد. عتاب و خطاب و انذار هم گاهی رحمت محسوب می‌شود.

مطلب چهارم این است که آیا «رحمة للعالمین» همین است؟ با یک نگاه کلان و جامع این چنین هست، من‌حیث‌المجموع غایت رسالت پیامبر (ص) رحمت است حتی در صورت تندی و جهاد علیه کفار.

آیه دوم

«**فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَليظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلين**».[[4]](#footnote-4)

این رحمت با رفق و مدارا تناسب دارد. و بحث این است که آیا در این آیه رحمت خاصه‌ای هم وجود دارد؟ در مقام به‌کارگیری روش‌ها، همراه با نوعی نرمی و ملاطفت است یا نه؟ که تأمل بفرمایید تا جلسه بعد.

1. **. انبیاء، 107** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. اسراء، 82** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص: 156.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. آل‌عمران، 159** [↑](#footnote-ref-4)